

بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین

فاطمه مدیری*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳۰)

چکیده

هدف این مقاله بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با آن است. جامعه آماری این پیمایش مقطعی، کلیه افراد متاهل شهر تهران بوده و ۱۷۳۶ نمونه به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند حدود نیمی از زنان و مردان متاهل شهر تهران از شیوه هزینه‌کرد پول در خانواده خود رضایت ندارند و بخش قابل توجهی نیز، از میزان درآمد و هزینه‌کرد همسر خود اطلاع دقیقی ندارند. سه الگوی مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی با ۳۰/۸ درصد، جداگانه مرد با ۲۸/۱ درصد و تخصیصی مرد به زن با ۲۶ درصد، به ترتیب بیشترین فراوانی را در خانواده‌های شهر تهران دارا هستند. میان مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول با نشاط زناشویی رابطه معناداری وجود داشته و این ارتباط در زنان قوی‌تر از مردان است. همچنین نتایج نشان داده که الگوهای هزینه‌کرد پول غالباً با درآمد و تحصیلات زوج و اینکه خانواده تک درآمد یا هر دو درآمد باشد، رابطه معنادار داشته و این یافته‌ها، نظریه منابع قدرت را تایید می‌کنند. اهمیت مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین و وجود آنومی در این حوزه، توجه خاص و سیاست‌گذاری بهینه را می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: روابط اقتصادی زوجین، الگوهای هزینه‌کرد پول، هزینه‌کرد اشتراکی، هزینه‌کرد تخصیصی، هزینه‌کرد جداگانه

* دانشجویار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور،

fateme.modiri@psri.ac.ir

** داده‌های این مقاله برگرفته از پیمایش سبک زندگی متاهلین و تعیین کننده‌های آن بوده که با حمایت مالی

موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

در سال ۱۳۹۴ اجرا شده است.

مقدمه

بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین از ابعاد مختلف، حائز اهمیت فراوان است. به طور سنتی اگرچه در بسیاری از موارد مدیریت پول با زنان بوده اما غالباً کنترل پول به طور انحصاری در دست مردان بوده است (ادواردز^۱، ۱۹۸۱؛ بلومشتین و شوارتز^۲، ۱۹۸۳؛ پاول^۳، ۱۹۸۹؛ وگلر و پاول^۴، ۱۹۹۴؛ فلمینگ^۵، ۱۹۹۷). آنیول و اسنایدن^۶ (۱۹۹۷) نشان نشان دادند تقریباً یک سوم از زوج‌هایی که به دنبال مشاوره ازدواج و خانواده بودند، اختلافات مالی را مطرح کردند. بنابراین می‌توان گفت حداقل، همپوشانی میان روابط اقتصادی زوجین و رضایت از رابطه در خانواده‌ها وجود دارد (بریت^۷ و همکاران، ۲۰۰۸: ۳۱).

مطالعات متعددی نظیر پاول (۱۹۸۹)، بورگان^۸ (۱۹۹۰)، بورگان و لويس^۹ (۱۹۹۴)، وگلر و پاول (۱۹۹۴) و نایمن^{۱۰} (۱۹۹۹ و ۲۰۰۳) نشان داده‌اند که همسران با اتخاذ شیوه‌های مختلف مدیریت و هزینه‌کرد پول، رابطه میان خود را منعکس، تقویت یا پنهان می‌کنند. بلومشتین و شوارتز (۱۹۸۳)، کرچلر^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۱) و ساتن^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۳) نشان داده‌اند شیوه مدیریت پول و هزینه‌کرد آن، یکی از دلایل اصلی تنش و عدم توافق میان زوجین و یا تعیین‌کننده رضایت زناشویی است. همچنين لیلارد^{۱۳} (۲۰۰۶) رابطه آن را با رفاه فردی و شادمانی کلی در زندگی نشان داده است. پاول (۱۹۸۹) نشان داده در خانواده‌هایی که مدیریت مالی با مردان است، در مقایسه با خانواده‌هایی که تصمیم‌گیری مالی مشترک دارند، هم زن و هم مرد شادمانی کمتری در روابطشان دارند.

در بررسی رضایت زندگی زناشویی و عوامل مرتبط با آن که از موضوعات مورد توجه

-
- 1- Edwards
 - 2- Blumstein and Schwartz
 - 3- Pahl
 - 4- Vogler and Pahl
 - 5- Fleming
 - 6- Aniol and Snyder
 - 7- Britt
 - 8- Burgoyne
 - 9- Burgoyne and Lewis
 - 10- Nyman
 - 11- Kirchler
 - 12- Sutton
 - 13- Layard

محققین رشته‌های مختلف می‌باشد، عمدتاً تمرکز بر عوامل اقتصادی و اجتماعی مانند سن، تحصیلات، مدت زمان زناشویی و غیره بوده است. همچنین در ادبیات مطالعات خانواده، غالباً همبستگی میان رضایت زناشویی با عوامل ارتباطی مانند استراتژی‌های ارتباطی شریک زندگی، مهارت‌های تصمیم‌گیری، و شیوه مذاکره مدنظر بوده است (بریت و همکاران، ۲۰۰۸: به نقل از دیندیا^۱، ۲۰۰۰). در حالی که تغییرات دهه‌های اخیر از جمله ورود روزافزون زنان به بازار کار و تغییر در نقش‌های سنتی زوجین نشان می‌دهد، از عواملی مانند الگوی روابط اقتصادی در میان همسران نباید غافل شد.

از طرف دیگر امروزه پدیده‌هایی از جمله روند رو به افزایش طلاق و ظهور همزیستی در حوزه خانواده مشاهده شده (کرنان^۲، ۲۰۰۴؛ آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰) و در نقطه مقابل آن رویکردهای جدید جامعه‌شناختی نشان از امکان ظهور روابط صمیمی و ناب میان زوجین دارند (وگلر و همکاران، ۲۰۰۸ به نقل از گیدنز^۳، ۱۹۹۲). بنابراین زوجین باید بدانند که قادر خواهند بود با تصمیم‌گیری خودشان که چگونه در کنار هم زندگی کنند، نقش‌ها و روابط میان خود را تعریف کنند.

در سالیان اخیر، تعداد زنان متأهلی که شغل و درآمد دارند، افزایش چشم‌گیری یافته و این امر به پیچیدگی روابط زن و شوهر افزوده، زیرا چیزی به عنوان پول زنانه نیز وارد زندگی خانوادگی شده است. از طرف دیگر مطالبات و انتقاداتی در حوزه کار خانگی زنان ایجاد شده که موقعیت این کارگران بدون دستمزد خانگی را به چالش کشیده است. همچنین افزایش آگاهی زنان موجب شده به قدرت پول در روابط میان زوجین پی برده و بدانند که چگونه روابط اقتصادی زوجین به دیگر روابط ایشان نیز تسری یافته و هرم قدرت در خانواده را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این موضوعات اگرچه متفاوت هستند اما در نهایت موجب شده که زنان مطالبات اقتصادی بیشتری در خانواده داشته باشند و امکان انتخاب الگوی رفتاری در روابط اقتصادی برای‌شان بیش از پیش مهیا شده است. دانستن این که منبع قدرت مالی خانواده در دست چه کسی است و تصمیم‌گیری در مورد این منبع با کدام یک از اعضای خانواده است، در فهم روابط بین اعضای خانواده مهم است. زیرا این ویژگی می‌تواند باعث شود که بعضی از

1- Dindia
2- Kiernan
3- Giddens

اعضای خانواده ثروتمندتر از دیگر اعضا باشند. بدین ترتیب تمایل به کنترل منابع اقتصادی می‌تواند چالش‌های بسیاری را در خانواده به وجود آورد.

همچنین اخیراً از آنجا که افراد به آزادی فردی علاقه‌مند شده‌اند و از طرفی روابط برابرطلبانه نیز در حال گسترش است، در بخشی از خانواده‌ها زن و شوهر درآمد حاصل از اشتغال خود را یا بخشی از آن را به طور مستقل مدیریت و خرج می‌کنند (وگلو و همکاران، ۲۰۰۷؛ پاول، ۲۰۰۵؛ بورگان و همکاران، ۲۰۰۶) و مطالعات اندکی درباره اینکه آیا سیستم مدیریت جداگانه پول با روابط برابرطلبانه بیشتری در میان همسران همراه است یا خیر، انجام شده است. از طرف دیگر درآمد محدود افراد به خصوص در جوامع کم درآمد موجب خواهد شد، بسیاری از افراد در حول و حوش خط فقر قرار گیرند و در این خانواده‌ها، تجمیع درآمد زن و مرد راهی برای خروج از خط فقر خواهد بود. مضاف بر آن معنای پول نزد مردان و زنان و شیوه هزینه‌کرد پول زنانه متفاوت است. در برخی خانواده‌ها پول زن، به عنوان درآمد تکمیلی برای مخارج خانواده (تحصیل فرزند یا تعطیلات) و یا برای اهداف کم ارزش (لباس یا جواهرات) در نظر گرفته شده و کم اهمیت قلمداد می‌شود. در خانواده معمولاً زنان، پول با اهداف خاص دارند و آن را برای اهداف خاصی هزینه می‌کنند (علیرضانژاد و خاکپور مروستی، ۱۳۹۶: ۹۱). بنابراین می‌توان متصور شد که در چنین شرایطی ممکن است شیوه هزینه‌کرد جداگانه پول ماحصل توافق میان زوجین باشد و به روابط میان زوجین و پایداری زندگی زناشویی صدمه‌ای وارد نسازد.

با توجه به اهمیت موضوع و عدم تحقیقات کافی در زمینه روابط اقتصادی میان زوجین در ایران، سئوالات این تحقیق عبارتند از: الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در میان زوجین چگونه است؟ و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول چیست؟ میزان رضایت از مدیریت پول و شیوه هزینه‌کرد مالی در خانواده‌های ما چگونه است؟ عدم توافق در مدیریت مالی به چه میزان موجب اختلاف زناشویی می‌شود؟ آیا این الگوها با نشاط زناشویی رابطه دارند یا خیر؟

چارچوب نظری

به لحاظ نظری در تبیین روابط اقتصادی میان زوجین عمدتاً دو دسته نظریه به کار گرفته می‌شود. دسته اول تلاش می‌کنند که به تبیین علت تسلط مردان در الگوی اقتصادی خانواده بپردازند. نظریه مارکس و انگلس و نظریه‌های فمینیستی از این دسته می‌باشند. دسته دوم تلاش دارند تغییرات ایجاد شده در الگوی اقتصادی خانواده را تبیین کنند که این هدف با استفاده از نظریه‌هایی مانند منابع قدرت^۱، مبادله^۲ و مدرنیزاسیون امکان‌پذیر خواهد بود.

از نظر مارکس و انگلس تمایز یافتن نقش‌های وابسته به جنس و به تبع آن قطبی شدن قدرت در خانواده به مرکزیت فرد، در حقیقت بازتاب دیگری از تحول مالکیت خصوصی است. در این روند زنان نیز همچون کالاهایی که می‌توانند سوژه مالکیت باشند، محسوب می‌شوند. یعنی منبع قدرت مرد و سلطه او بر زن از قدرت اقتصادی در طبقات اجتماعی گوناگون مردان نشأت می‌گیرد. بر اساس دیدگاه نظری مارکس می‌توان نتیجه گرفت که عامل اقتصادی منبع قدرت در خانواده است. یعنی وابسته بودن امرار معاش خانواده به مرد / زن و این که اهرم اقتصادی در دست کدام یک از زوجین باشد بر میزان قدرت آن‌ها در خانواده موثر است (علیرضائزاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲ به نقل از رضابخش، ۱۳۸۴). فمینیست‌ها نیز هم-راستا با این نظریه معتقدند مردان با در اختیار گرفتن کار مزدی و گماردن زنان به کار غیر مزدی، زمینه تسلط خود بر زنان را در ابعاد مختلف ایجاد کرده‌اند.

در نظریه منابع قدرت، بلاد و ولف^۳ (۱۹۶۰) مطرح می‌کنند که تصمیمات زن و شوهر در امور زندگی، نتیجه مستقیم سهم هر یک در منابع است. درآمد شوهر معرف مهم در این زمینه است و در مقابل، در خانواده‌ای که درآمد زن مورد توجه است، توازن قدرت تغییر خواهد کرد. بنابراین درآمد بالای شوهران در صورت عدم نقش زنان در کسب درآمد، بیش‌ترین قدرت را برای مردان به همراه می‌آورد. به طور کلی، نظریه منابع بر پایه این فرض قرار دارد که در روابط زن و شوهر، توازن قدرت در تصمیم‌گیری به طرف فردی است که بزرگ‌ترین یا به عبارتی با اهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد. اگر چه منابع غیراقتصادی نظیر مشارکت، حمایت عاطفی و مهارت‌های اجتماعی برای زنان مزایایی دارد، اما در دنیای امروز اهمیت

1- Resource theory of power
2- Exchange theory
3- Blood and Wolf

بیشتری به پول، پایگاه و جایگاه شغلی می دهند (سفیری و آراسته، ۱۳۸۶: ۱۲۲). نظریه مبادله نیز همانند نظریه منابع می تواند رفتارهای اقتصادی و رابطه آن با رضایت زناشویی و قدرت در خانواده را تبیین کند. طبق این نظریه، هر لذت فیزیکی، اجتماعی یا روانشناختی، به عنوان یک پاداش طبقه بندی می شود. بر این اساس افراد پاداش و هزینه را محاسبه می کنند تا تصمیم بگیرند کدام جایگزین را انتخاب کنند.

پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش نیز به چند بخش تقسیم می شود. بخشی به گونه شناسی مدیریت و هزینه کرد پول پرداخته اند، بخش دیگری از مطالعات به بررسی رابطه میان شیوه هزینه کرد پول و سایر روابط زوجین مانند صمیمیت زناشویی، رضایت زناشویی و اختلافات زناشویی اختصاص داشته و گروهی از مطالعات نیز به رابطه متغیرهای اقتصادی اجتماعی با مدیریت و هزینه کرد پول پرداخته اند. این مطالعات عمدتاً خارجی بوده و مطالعات اندک داخلی در این رابطه وجود دارد.

پاول (۱۹۸۹) بر اساس دو سیستم جمع گرایانه^۱ و فردگرایانه^۲ سنخ شناسی شیوه های اصلی مدیریت پول زوجین را مطرح کرده است. در سیستم جمع گرایانه سه شکل مطرح شده است: مدیریت تجمیع اشتراکی^۳ (زوجین با هم پول را مدیریت و تجمیع می کنند و هر یک در صورت لزوم از آن برمی دارند)؛ مرد درآمد کل خانواده را مدیریت می کند و برای مخارج مشخص به زن خرجی می دهد؛^۴ یا زن درآمد کل خانواده را مدیریت می کند و برای مخارج مشخص به مرد خرجی می دهد.^۵ در سیستم فردگرایانه زن یا مرد بخشی از پول خود را در خانواده خرج می کنند و بخشی از آن را بدون مشورت همسر خرج می کنند^۶ و در مدیریت مستقل^۷، زن و شوهر هر دو درآمد خود را جداگانه مدیریت و خرج می کنند (وگلر و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۰ - ۱۱۸).

-
- 1- Collectively
 - 2- Individualised
 - 3- Joint Pooling
 - 4- Male whole wage
 - 5- Female whole wage
 - 6- Partial pool
 - 7- Independent

۱۳ بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین.

لاپورت و شلنبرگ^۱ (۲۰۱۱) به استراتژی‌های مدیریت درآمد زوج‌های کانادایی مسن‌تر (حداقل یک همسر ۴۵ سال یا بیشتر) پرداخته و نشان دادند: ۲۰ درصد زوجین مدیریت درآمد تخصیصی^۲، ۵۷ درصد مدیریت تجمیع پول^۳ و ۲۳ درصد مدیریت جداگانه^۴ دارند. از ۲۳ درصد زوجین با مدیریت جداگانه ۸ درصد مدیریت جداگانه نسبی^۵ و ۱۵ درصد مدیریت جداگانه کامل^۶ دارند. استراتژی‌های مدیریت درآمد با ویژگی‌های ارتباطی مانند وضعیت عرفی (نه ازدواج)، مدت زمان زناشویی و حضور فرزندان ارتباط دارد. همچنین استفاده از استراتژی فردگرایانه با سطح تحصیلات و میزان درآمد زنان رابطه مثبت دارد. استراتژی‌های فردگرایانه بیشتر در میان خانواده‌های ترکیبی^۷ و در میان کسانی که ازدواج‌های قبلی داشته‌اند شایع است. با این حال، این نتایج در مدل‌های چند متغیره قابل توجه نیست. سینگ و بنداری^۸ (۲۰۱۲) به مدیریت و کنترل پول در خانواده‌های اشتراکی^۹ هندی در طی نسل‌ها پرداخته و نشان داده‌اند، الگوی غالب کنترل و مدیریت پول مردانه بوده و در خانواده‌های بالاتر از متوسط الگوی غالب در شهر مدیریت جداگانه یا مشترک بوده است.

وگلر و همکاران (۲۰۰۸) به بیان تاثیر مدیریت پول بر روابط صمیمانه زوجین یا همزیست‌ها پرداخته‌اند. ایشان نشان دادند که به طور کلی زنان بیش از مردان به تجمیع درآمد و اشتراک در مدیریت پول تمایل دارند و به تدریج در مدیریت مخارج، تصمیم‌های فردگرایانه افزایش یافته است. مدیریت فردگرایانه پول در جوان‌ترها، طبقات متوسط، دو نان‌آورها، زوج‌های همباش، برابطلب‌های جنسیتی، به ویژه کسانی که یک فرد درآمدی بیشتر از همسر خود دارد، دیده می‌شود. مردان جوان با مردان مسن‌تر تفاوت نگرشی قابل توجهی دارند. زنان و مردانی که مدیریت مخارج را به تنهایی دارند نسبت به کسانی که تصمیمات مشترک مالی دارند، به طور کلی رضایت کمتری از زندگی دارند (وگلر و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین وگلر و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه دیگری یافتند که تقریباً نیمی از زوجین سیستم مدیریت اشتراکی

-
- 1- Laporte and Schellenberg
 - 2- Allocative Income Management Strategy
 - 3- Pooled Strategy
 - 4- Separate-Income Strategy
 - 5- Partially
 - 6- Completely
 - 7- Blended Families
 - 8- Singh and Bhandari
 - 9- Joint family

پول دارند. سیستم سستی مدیریت مردانه در طول زمان کاهش مختصر و سیستم فردگرایی نسبی افزایش مختصری داشته است. وگلر (۲۰۰۶) به این موضوع پرداخته که آیا با مشارکت در بازار کار زنان و تغییرات گفتمان جنسیت و تغییر شکل روابط عاطفی میان زوجین، شیوه‌های سازماندهی پول تغییر کرده است. نتایج نشان داده علیرغم کاهش گفتمان سستی مردان آور و افزایش اهمیت ایدئولوژی برابری، به نظر می‌رسد اختلاف درآمد زن و مرد، نابرابری میان آن دو را افزایش داده و زمینه ایجاد مدیریت جداگانه را فراهم می‌آورد. وگلر (۲۰۰۵) در اقتصاد داخلی خانوار به بحث‌های جاری در مورد ظهور شکل جدید روابط صمیمی در دوران مدرن متاخر^۱ یا خطر جهانی^۲ اشاره می‌کند و اینکه در حال حاضر روند رو به رشد مدیریت مالی فردگرایانه در مطالعات مختلف مشاهده شده است. بلچ و ویلیز^۳ (۲۰۰۲) گزارش کردند زنان امروزه نقش بیشتری در تعطیلات خانواده، خرید اتومبیل، بیمه و خدمات مالی ایفا می‌کنند و الگوی غالب مدیریت مردانه به الگوی تصمیم‌گیری مشترک در حال تغییر است.

بریت و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند، درک پاسخگویان از رفتارهای هزینه‌کرد شریک‌شان، عمیق‌ترین تأثیر را بر رضایت از رابطه دارد و به‌طور کلی زوجینی که هزینه‌کرد مالی بدون مشورت با یکدیگر دارند، سطوح پایین‌تری از رضایت زناشویی را گزارش کرده‌اند. استور و پیاک^۴ (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که داشتن مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی با کیفیت روابط در میان همزیست‌ها ارتباط مثبت معنادار دارد و نتیجه گرفته‌اند که در تنظیمات مالی همزیست‌ها باید به اشتراک مالی توجه بیشتری مبذول شود. پاول (۲۰۰۰) نشان داده شیوه حسابداری و حسابرسی اقتصاد داخل خانواده به درآمد زن و مرد و زوایای گوناگون روابط میان آنها بستگی دارد.

وگلر و پاول (۱۹۹۴) شش سیستم کنترل مالی را نشان داده و معتقدند حتی زمانی که زوجین پول را تجمیع می‌کنند در عمل زن یا شوهر کنترل آن را در دست دارد و تنها در یک پنجم از زوجین کنترل مالی مشترک دیده می‌شود. کنترل مالی زنان اگرچه با افزایش قدرت تصمیم‌گیری برای زنان همراه بوده اما در برابر محرومیت مالی از آنها محافظت نکرده است. در حالی که کنترل مالی مردان به حفظ منافع مالی مردان کمک می‌کند. نابرابری جنسیتی در

1- Late Modern

2- World Risk

3- Belch and Willis

4- Steuber and Paik

خانواده‌های دارای مدیریت مشترک مالی حداقل است و بیشترین نابرابری جنسیتی در خانوارهای با درآمد کم یا درآمد بالا و کنترل مالی مردانه مشاهده شده است.

گیدنز (۱۹۹۲) ظهور روابط ناب شکننده اما متعادل و کاملاً دموکراتیک به خصوص در میان زوج‌های همزیست را نشان می‌دهد. در حالی که بک و بک (۱۹۹۵) بر خلاف گیدنز تاکید می‌کنند بر اینکه مردان و زنان هنوز روابط نابرابر دارند و به ندرت روابط برابرطلبانه در میان آنها برقرار است و فرم‌های جدید و روابط صمیمی برای مردان نسبتاً خوب و برای زنان با ریسک بالاتری همراه است (وگنر و همکاران، ۲۰۰۸).

بورگان و ماریسن^۱ (۱۹۹۷) دریافتند که زوجین مسن‌تر با فرزندان از ازدواج قبلی بیشتر مدیریت جداگانه در درآمد خود دارند. همچنین یودانیس و لور^۲ (۲۰۰۷a,b) نشان دادند مدیریت فردگرایانه در جوان‌ترها، افراد با مدت زمان زناشویی کمتر، افراد بدون فرزند و کسانی که سابقه طلاق دارند، بیشتر دیده می‌شود. رابطه معنادار ضعیف میان سن و مدیریت درآمد وجود دارد و وقتی درآمد یکسان باشد احتمال مدیریت مالی اشتراکی بیشتر است. تریز^۳ (۱۹۹۳) نشان داده طول مدت زناشویی کمتر و درآمد بالاتر با مدیریت جداگانه و حضور فرزندان با اشتراک درآمد مالی همراه است. او رابطه منفی ضعیف میان سن زن و احتمال مدیریت فردگرایانه را گزارش کرده است. تحصیلات بالاتر در زنان با مدیریت جداگانه ایشان ارتباط دارد. بنکه و پولسن^۴ (۲۰۰۷) با کنترل متغیرها نشان دادند طول مدت زندگی زناشویی و وجود فرزند با تجمع پول رابطه دارد. رابطه قوی میان درآمد فردی و مدیریت پول مشاهده نشده اما توزیع نابرابر درآمد با مدیریت جداگانه زوجین همراه است. ایشان رابطه معناداری میان نسبت تحصیلات و مدیریت پول نیافتند.

هایکل^۵ و همکاران (۲۰۱۴) به مقایسه تطبیقی استراتژی‌های تجمع درآمد در همزیست‌ها و ازدواج کرده‌ها در چند کشور غربی پرداختند. نتایج نشان داده، در تمام کشورهای مورد مطالعه تحصیلات بالاتر، مشارکت زنان در بازار کار، کار هر دو زوج، مدت کوتاه‌تر همزیستی یا زناشویی، فقدان فرزند مشترک، وجود افکار جدایی در ازدواج کرده‌ها و تمایل کمتر ازدواج در همزیست‌ها با مدیریت و شیوه هزینه‌کرد جداگانه همراه بوده است.

1- Burgoyne and Morison

2- Yodanis and Lauer

3- Treas

4- Bonke and Poulsen

5- Hiekel

علیرضائزاد و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند زنان به چهار نوع منبع مالی شامل خرج خانه، پول تو جیبی، حقوق ماهیانه و ارثیه دسترسی دارند و با افزایش دسترسی ایشان به منابع مالی، لزوماً کنترل آنان براین منابع افزایش نمی‌یابد. با افزایش کنترل زنان بر منابع مالی، تصمیم‌گیری‌های مشترک در باره مسائل عمده مالی بین زن و مرد افزایش می‌یابد. همچنین علیرضائزاد و خاکپور (۱۳۹۴) نشان دادند زنان معمولاً در مقایسه با مردان، پول را به مثابه پول خاص هزینه می‌کنند. سیاست‌گذاران مالی مردانند، در حالی که زنان به مثابه مدیران خانواده، بر منابع محدودتر کنترل دارند. علیرضائزاد و خاکپور مروستی (۱۳۹۶) نشان دادند افزایش دسترسی زنان به پول موجب افزایش عاملیت اقتصادی آنان در خانواده می‌شود. افزایش سن مرد، کهولت یا بیماری مرد، بالا رفتن سن ازدواج، بزرگ شدن فرزندان، گسترش روابط اجتماعی به ویژه در محیط کار بر عاملیت اقتصادی زنان تاثیر مثبت دارد. زنان با ورود به بازار کار و کسب درآمد، در منابع مالی خانواده سهم هستند، اما عملاً مردان به عنوان نان‌آور و رئیس خانواده مطرح هستند.

نظری‌پور (۱۳۹۲) در خصوص مدیریت مالی خانواده و کیفیت رابطه زوجین، ۲۵ زوج سنجی که معتقد بودند دارای ازدواج موفق و پایدار هستند را به روش کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته‌های این پژوهش عبارت بودند از: در بیشتر موارد یکی از زوجین عهده‌دار مدیریت امور مالی خانواده بوده‌اند. این زوجین دارای بدهی حداقلی بوده و تلاش داشتند تا بدهی‌هایشان را در اسرع وقت تسویه نمایند و نحوه تعامل زوجین در حل مشکلات مالی بخشی از پویایی‌های رابطه زوجی بوده است. او نتیجه گرفته، مسائل مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط زوجین دارد و زوجینی که دارای یک زندگی موفق و پایدار هستند، به راحتی می‌توانند با هم‌فکری و همکاری یکدیگر مشکلات مالی به وجود آمده را حل نمایند.

از مبانی نظری و پیشینه تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که گونه‌های مختلف مدیریت اشتراکی، مدیریت تخصیصی و مدیریت فردگرایانه در بخشی از خانواده‌ها وجود دارد که در ادامه به شیوع هر یک در میان خانواده‌های شهر تهران خواهیم پرداخت. همچنین رابطه شیوه مدیریت مالی و هزینه‌کرد پول با نشاط زناشویی مفروض است.

چارچوب نظری این مقاله بر اساس نظریه منابع قدرت است. بنابراین سن، درآمد، تحصیلات، تفاوت تحصیلات و درآمد زن و شوهر، تک درآمد یا هر دو درآمد بودن خانواده،

۱۷ بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین.

مدت زمان زناشویی و داشتن فرزند به عنوان منابع قدرت در خانواده مطرح بوده و فرضیه‌های رابطه شیوه مدیریت مالی و هزینه‌کرد پول با مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی فردی (سن، درآمد، تحصیلات) و متغیرهای زوجی (مدت زمان زناشویی، نسبت درآمد، نسبت تحصیلات، تک درآمد یا هر دو درآمد بودن زوج، داشتن فرزند) مفروض است.

روش تحقیق

داده‌های این مقاله، برگرفته از پیمایش مقطعی سبک زندگی متاهلین و تعیین‌کننده‌های آن با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت است. جامعه آماری تحقیق شامل افراد متاهل شهر تهران بوده است. با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش، در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شد. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است و با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌ها متاهل بوده و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شدند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای (PPS)^۲ بوده و نمونه‌ها از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب شده‌اند. پرسشنامه‌های بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب شدند. جهت اعتبار و پایایی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق به شرح زیر است:

الگوهای مدیریت مالی و هزینه‌کرد پول: یک گویه که نشان‌دهنده شش الگوی مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین است، برگرفته از مطالعات و گلر و پاول (۱۹۹۴) به کار رفته است که شامل: ۱- مدیریت و هزینه‌کرد مشارکتی^۳ یا تجمیعی^۴ (زوجین با هم پول را

1- Design effect

2- Probability proportional to size

3- Joint, Share

4- Pooled

مدیریت و تجمیع می‌کنند و پول با مشورت زن و مرد خرج یا پس‌انداز می‌شود) ۲- مرد درآمد کل خانواده را مدیریت می‌کند و برای مخارج مشخص به زن خرجی می‌دهد^۱ (سیستم تخصیصی^۲ مرد محور) ۳- زن درآمد کل خانواده را مدیریت می‌کند و برای مخارج مشخص به مرد خرجی می‌دهد^۳ (سیستم تخصیصی زن محور) ۴- مدیریت و شیوه هزینه‌کرد مستقل^۴ یا جداگانه^۵ در مرد (مرد بخشی یا کل پول خود را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کند) ۵- مدیریت و شیوه هزینه‌کرد مستقل یا جداگانه در زن (زن بخشی یا کل پول خود را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کند) ۶- مدیریت و شیوه هزینه‌کرد مستقل یا جداگانه در زوج (مرد و زن هر دو بخشی یا کل پول خود را هر طور که می‌خواهند خرج یا پس‌انداز می‌کنند). در این الگوها سعی شده، سه شیوه اصلی مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی، تخصیصی و جداگانه لحاظ شود و رفتار زنان و مردان نیز از هم منفک شود. چرا که در جامعه ما عمدتاً مردان شاغل و دارای درآمدند اما زنان در اکثر موارد درآمد مالی ندارند و این وضعیت می‌تواند منجر به تفاوت اساسی در شیوه مدیریت و هزینه‌کرد پول شود.

نشاط زناشویی^۶: نشاط زناشویی نشان دهنده داشتن یک حس خوب است و رضایت زناشویی یک مورد خاص رضایت از رابطه است و درجه‌ای که همسران ازدواج خود را از جنبه‌های مختلف ارزیابی و تایید می‌کنند. در این تحقیق نشاط زناشویی با ۱۲ گویه؛ همسر شما چقدر شما را درک می‌کند، همسر شما چقدر به شما محبت می‌کند، رضایت شما از رابطه جنسی با همسرتان به چه میزان است، از رابطه همسرتان با فرزندان چقدر رضایت دارید، در خانواده شما، همسر چقدر به وظیفه خود عمل می‌کند، از عملکرد همسرتان به عنوان کسی که در کارها مشارکت می‌کند به چه میزان رضایت دارید، میزان رضایت شما از وفاداری همسرتان چقدر است، میزان رضایت شما از وضعیت مالی چقدر است، میزان شادی در خانه شما چقدر است، میزان رضایت شما از ازدواج با همسرتان، میزان خوشبختی شما در ازدواجتان نسبت به دوستان و همسالان، احساس قوی عشق به همسرتان به چه میزان است

-
- 1- Male whole wage
 - 2- Allocative
 - 3- Female whole wage
 - 4- Independent
 - 5- Separate
 - 6- Marital happiness

یا زن درآمد یا منابع مالی مستقل دارند یا هر دو دارای درآمد هستند. این منابع مالی اختصاصاً از طریق اشتغال کسب نشده و هر پولی را شامل می‌شود. لذا با واژه‌های تک شاغل^۱ و هر دو شاغل^۲ (داشتن کار دستمزدی با تعداد ساعات کار مشخص) متفاوت است. همچنین با واژه‌های تک نان‌آور^۳ و هر دو نان‌آور^۴ (درآمد و منابع مالی عضو خانواده معیشت را تامین می‌کند) متفاوت است چرا که در جامعه ما، درآمد زنان به جهت اندک بودن منابع مالی یا به جهت نوع نگاه به پول زنانه در بسیاری از اوقات، درآمد زن معیشت خانواده را تامین نمی‌کند.

یافته‌ها

از ۱۷۳۶ نمونه مورد بررسی ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. در این نمونه ۳۸/۳ درصد از مردان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۶ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۲۵/۷ درصد ۵۵ سال و بالاتر بودند. همچنین ۴۹/۴ درصد از زنان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۴ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۱۶/۶ درصد ۵۵ سال و بالاتر بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نمونه نشان می‌دهد نمونه بدست آمده نمونه‌ای معرف جامعه آماری است. به لحاظ وضعیت تحصیلی ۳/۵ درصد از این افراد بیسواد، ۷/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۲ درصد راهنمایی، ۱۱/۲ درصد متوسطه، ۳۲/۲ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۶/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۱/۷ درصد لیسانس، ۴/۲ درصد فوق لیسانس، ۰/۲ درصد دکتری عمومی، ۰/۶ درصد دکتری تخصصی بودند. به لحاظ شغلی بیش از نیمی از افراد شاغل و حدود ۷ درصد بازنشسته بودند. ۵۱/۴ درصد شاغل، ۳۸/۸ درصد خانه‌دار، ۰/۹ درصد دانشجوی، ۶/۸ درصد بازنشسته، ۱/۱ درصد بیکار، ۰/۹ درصد دارای درآمد بدون کار، ۰/۱ درصد سایر موارد بوده است. به لحاظ سطح درآمد ۳۸/۸ درصد از این افراد بدون درآمد یا فقط یارانه بگیر بودند. ۴/۲ درصد دارای درآمد زیر ۷۵۰ هزار تومان، ۳۴/۱ درصد درآمد از ۷۵۰ هزار تومان تا ۲۲۵۰ هزار تومان داشتند، ۱۴/۷ درصد درآمد از ۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان داشتند. ۶/۱ درصد درآمد از ۳۷۵۰ هزار تومان تا ۵۲۵۰ هزار تومان داشتند و ۲/۱ درصد درآمد بالاتر از ۵۲۵۰ هزار تومان را گزارش کرده‌اند. ۷۹/۱ درصد از خانواده‌ها تک درآمد و ۲۰/۹ درصد هر دو درآمد داشته‌اند.

-
- 1- Single worker family
 - 2- Dual worker family
 - 3- Single breadwinner
 - 4- Two breadwinners

جدول ۱. توزیع درصدی گویه‌های مرتبط با روابط اقتصادی میان زوجین به تفکیک جنسیت

| زنان | | | مردان | | | گویه |
|------|-------|------|-------|-------|------|--|
| زیاد | متوسط | کم | زیاد | متوسط | کم | |
| ۴۴/۱ | ۴۱/۸ | ۱۴/۱ | ۵۵/۴ | ۳۸/۷ | ۵/۹ | در رابطه شما و همسرتان، به چه میزان از شیوه پول خرج کردن رضایت دارید |
| ۲/۸ | ۱۰ | ۸۷/۲ | ۲/۴ | ۸/۵ | ۸۹/۱ | به چه میزان مدیریت مالی، باعث اختلاف میان شما و همسرتان می‌شود |
| ۷۹/۴ | ۱۴ | ۶/۶ | ۶۳/۱ | ۲۹/۸ | ۷/۱ | همسر شما به چه میزان از درآمدها اطلاع دقیق دارد |
| ۶۱/۱ | ۳۰/۴ | ۸/۵ | ۵۸/۹ | ۳۴ | ۷/۱ | همسر شما به چه میزان از خرج‌هایتان اطلاع دقیق دارد |

در جدول ۱ توزیع درصدی گویه‌های مرتبط با روابط اقتصادی میان زوجین به تفکیک جنسیت آورده شده است. چنانکه جدول ۱ نشان می‌دهد ۴۴/۱ درصد از مردان و ۵۵/۴ درصد از زنان از شیوه هزینه‌کرد پول در رابطه میان خود و همسرشان رضایت ندارند. مدیریت مالی در ۱۰/۹ درصد از مردان و ۱۲/۸ درصد زنان در سطح متوسط و بالاتر موجب اختلاف زناشویی در خانواده‌ها می‌شود. همسران ۳۶/۹ درصد از مردان و ۲۰/۶ درصد از زنان از میزان درآمد و همسران ۴۱/۱ درصد از مردان و ۳۸/۹ درصد از زنان از میزان خرج‌های همسر خود اطلاع دقیقی ندارند. رابطه الگوهای مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول با نشاط زناشویی در مردان و زنان در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع درصدی گویه‌ی مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول بر حسب نشاط زناشویی به تفکیک جنسیت

| جنسیت | نشاط زناشویی | اشتراکی | تخصیصی مرد به زن | تخصیصی زن به مرد | جداگانه در مرد | جداگانه در زن | جداگانه در زوج | کل | آزمون آماری |
|-------|--------------|---------|------------------|------------------|----------------|---------------|----------------|-----|------------------------------|
| مرد | پایین | ۶/۷ | ۴۰ | ۶/۷ | ۲۶/۷ | ۰ | ۲۰ | ۱۰۰ | ۰/۱۶۹ وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ |
| | متوسط | ۱۳/۲ | ۲۹/۲ | ۱۰/۴ | ۳۸/۹ | ۰ | ۸/۳ | ۱۰۰ | |
| | بالا | ۳۳/۲ | ۲۶/۲ | ۴/۴ | ۳۱/۶ | ۱/۳ | ۳/۲ | ۱۰۰ | |
| | کل | ۲۹/۳ | ۲۷ | ۵/۵ | ۳۲/۸ | ۱/۱ | ۴/۴ | ۱۰۰ | |
| زن | پایین | ۵/۹ | ۱۹/۶ | ۱۷/۶ | ۴۵/۱ | ۰ | ۱۱/۸ | ۱۰۰ | ۰/۲۵۹ وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ |
| | متوسط | ۲۰/۴ | ۳۲/۴ | ۲۱/۱ | ۱۷/۵ | ۱/۵ | ۷/۳ | ۱۰۰ | |
| | بالا | ۴۰/۴ | ۲۲/۱ | ۵/۳ | ۲۴/۸ | ۴/۲ | ۳/۲ | ۱۰۰ | |
| | کل | ۳۲/۲ | ۲۵/۱ | ۱۰/۹ | ۲۳/۷ | ۳/۱ | ۴/۹ | ۱۰۰ | |

جدول ۲ نشان می‌دهد در افرادی که نشاط زناشویی در سطح پایین دارند، بیشترین شیوه هزینه‌کرد مالی تخصیصی مرد به زن و جداگانه در مردان است. در افرادی که نشاط زناشویی بالا دارند، هزینه‌کرد اشتراکی، شیوه غالب مدیریت و هزینه‌کرد پول است. شیوه جداگانه در زوج در سطح نشاط زناشویی پایین بیشتر از سطوح متوسط و بالاست. هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد، در سطح بالای نشاط زناشویی کمتر دیده می‌شود. هزینه‌کرد جداگانه در زنان اندک است اما این شیوه در سطح بالای نشاط زناشویی در مردان و زنان بیشتر مشاهده می‌شود. این یافته نشان می‌دهد ممکن است این الگو بر اساس توافق زوجین و با توجه به نگاه متفاوت به پول زنانه شکل گرفته باشد. البته چنانکه می‌بینیم شیوه هزینه‌کرد تخصیصی مرد به زن و شیوه هزینه‌کرد جداگانه در مردان در سطح نسبتاً وسیعی در همه گروه‌ها به چشم می‌خورد. رابطه معناداری میان مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول با نشاط زناشویی وجود داشته و بنابراین فرضیه رابطه میان این دو متغیر پذیرفته می‌شود. این ارتباط در زنان قوی‌تر از مردان است.

جدول ۳: توزیع درصدی گویه‌ی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط زوجین

| درصد معتبر | درصد | فراوانی | شیوه‌های مدیریت و هزینه‌کرد پول |
|---------------|------|---------|---|
| ۳۰/۸ | ۳۰/۸ | ۵۳۴ | پول با مشورت زن و مرد خرج یا پس انداز می‌شود(اشتراکی) |
| ۲۶ | ۲۶ | ۴۵۱ | مرد به زن خرجی می‌دهد(تخصیصی مرد به زن) |
| ۸/۳ | ۸/۲ | ۱۴۳ | زن به مرد خرجی می‌دهد(تخصیصی زن به مرد) |
| ۲۸/۱ | ۲۸/۱ | ۴۸۷ | مرد بخشی یا کل پول خود را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کند(جداگانه در مرد) |
| ۲/۱ | ۲/۱ | ۳۷ | زن بخشی یا کل پول خود را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کند(جداگانه در زن) |
| ۴/۷ | ۴/۷ | ۸۱ | مرد و زن بخشی یا کل پول خود را هر طور که می‌خواهد خرج یا پس‌انداز می‌کنند (جداگانه در زوج) |
| ۱۰۰ | ۰/۲ | ۳ | بی‌پاسخی |
| | ۱۰۰ | ۱۷۳۶ | کل |

جدول ۳ شیوع الگوهای مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول در خانواده‌های شهر تهران را نشان می‌دهد. بر این اساس، مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی پول در ۳۰/۸ درصد، هزینه‌کرد تخصیصی مرد

۲۳ بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین.

به زن در ۲۶ درصد، هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد در ۸/۳ درصد، هزینه‌کرد جداگانه در مرد در ۲۸/۱ درصد، هزینه‌کرد جداگانه در زن در ۲/۱ درصد و هزینه‌کرد جداگانه در زوج در ۴/۷ درصد از خانواده‌ها مشاهده می‌شود. حال سؤال اینجاست که هر یک از الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در چه گروه‌های اجتماعی بیشتر به چشم می‌خورد. جدول ۴ تحلیل دو متغیره رابطه میان مدیریت و هزینه‌کرد پول با متغیرهای مستقل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. تحلیل‌های دو متغیره الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول و متغیرهای مستقل پژوهش

| آزمون آماری | متغیر | | | | | | اشتراکی | متغیر |
|------------------------|----------------|---------------|----------------|------------------|------------------|--------------|-------------------|-------------|
| | جداگانه در زوج | جداگانه در زن | جداگانه در مرد | تخصیصی زن به مرد | تخصیصی مرد به زن | تخصیصی مشترک | | |
| وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ | ۷/۷ | ۲/۳ | ۲۷/۷ | ۳/۳ | ۲۷ | ۳۲ | ۱۸ - ۳۴ | سن مرد |
| | ۵ | ۲/۶ | ۲۸/۴ | ۶/۶ | ۲۴/۸ | ۳۲/۶ | ۳۵ - ۵۴ | |
| | ۲ | ۰/۹ | ۲۷/۸ | ۱۵ | ۲۸/۳ | ۲۶ | ۵۵ و بالاتر | |
| وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ | ۶/۲ | ۳ | ۲۹/۸ | ۳/۵ | ۲۴/۶ | ۳۲/۹ | ۱۸ - ۳۴ | سن زن |
| | ۴/۷ | ۱/۸ | ۲۷ | ۷/۹ | ۲۷/۴ | ۳۱/۲ | ۳۵ - ۵۴ | |
| | ۱/۸ | ۱/۴ | ۲۷/۸ | ۱۸/۹ | ۲۴/۹ | ۲۵/۳ | ۵۵ و بالاتر | |
| وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ | ۱/۳ | ۱/۱ | ۳۱/۴ | ۱۵/۳ | ۲۶/۲ | ۲۴/۷ | متوسطه و پایین‌تر | تحصیلات مرد |
| | ۳/۹ | ۱/۳ | ۳۱/۳ | ۵/۶ | ۳۰ | ۲۸ | دیپلم | |
| | ۹ | ۴ | ۲۱/۶ | ۳/۳ | ۲۲/۱ | ۴۰ | بالاتر از دیپلم | |
| وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ | ۰/۹ | ۱/۲ | ۳۱/۳ | ۱۵/۸ | ۲۸/۱ | ۲۲/۸ | متوسطه و پایین‌تر | تحصیلات زن |
| | ۳/۲ | ۱/۶ | ۳۲/۷ | ۷/۱ | ۲۸/۱ | ۲۷/۴ | دیپلم | |
| | ۹/۹ | ۳/۶ | ۲۰/۴ | ۱/۹ | ۲۲ | ۴۲/۲ | بالاتر از دیپلم | |
| وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ | ۲/۹ | ۲/۲ | ۳۰/۴ | ۱۰/۲ | ۲۲/۹ | ۳۱/۴ | پایین‌تر از ۲۲۵۰ | درآمد مرد |
| | ۶/۲ | ۲/۱ | ۲۳/۵ | ۸/۵ | ۲۶/۲ | ۳۳/۵ | ۲۲۵۰ - ۳۷۵۰ | |
| | ۸/۴ | ۱/۶ | ۲۷/۶ | ۰ | ۳۸/۸ | ۲۳/۶ | بالاتر از ۳۷۵۰ | |
| وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ | ۳/۸ | ۲ | ۲۸/۹ | ۸/۵ | ۲۶/۹ | ۲۹/۹ | پایین‌تر از ۲۲۵۰ | درآمد زن |
| | ۲۶/۹ | ۵/۸ | ۵/۸ | ۰ | ۳/۸ | ۵۷/۷ | ۲۲۵۰ - ۳۷۵۰ | |
| | ۳۰ | ۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۰ | ۵۰ | بالاتر از ۳۷۵۰ | |

| متغیر | اشتراکی | تخصیصی مرد به زن | تخصیصی زن به مرد | جداگانه در مرد | جداگانه در زن | جداگانه در زوج | آزمون آماری |
|---------------------|------------|---------------------|---------------------|-------------------|------------------|-------------------|------------------------------|
| تفاوت تحصیلی زوج | مرد بالاتر | ۲۸/۵ | ۲۹ | ۱۰/۱ | ۲۹ | ۴/۷ | ۰/۰۷۱=وی کرامرز P = ۰/۰۶۴ |
| | زن بالاتر | ۲۹/۲ | ۲۶/۱ | ۹/۷ | ۲۷/۴ | ۶ | |
| | برابر | ۳۳/۶ | ۲۴/۷ | ۶/۹ | ۲۸ | ۴/۱ | |
| تفاوت درآمدی زوج | مرد بالاتر | ۲۷/۵ | ۲۸/۶ | ۸/۶ | ۳۰/۴ | ۳/۳ | ۰/۲۳۴=وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ |
| | زن بالاتر | ۲۸/۶ | ۱۴/۳ | ۱۷/۹ | ۲۸/۶ | ۷/۱ | |
| | برابر | ۶۰/۸ | ۶/۴ | ۳/۵ | ۷/۶ | ۱۵/۸ | |
| تفاوت سنی زوج | مرد بیشتر | ۳۰/۶ | ۲۶/۷ | ۸/۱ | ۲۸/۱ | ۴/۵ | ۰/۰۷۲=وی کرامرز P = ۰/۰۵۹ |
| | زن بیشتر | ۲۴/۲ | ۳۳/۳ | ۳ | ۳۰/۳ | ۶/۱ | |
| | برابر | ۳۶/۱ | ۱۰/۸ | ۱۳/۳ | ۲۷/۷ | ۷/۲ | |
| هر دو درآمد | خیر | ۲۳/۸ | ۳۱/۶ | ۹/۹ | ۳۳/۹ | ۰/۱ | ۰/۶۱۰=وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ |
| | بله | ۵۷/۱ | ۵ | ۱/۹ | ۶/۱ | ۲۱/۹ | |
| مدت زناشویی | کمتر از ۵ | ۳۶/۱ | ۲۰/۱ | ۱/۲ | ۲۸/۷ | ۹/۸ | ۰/۱۴۴=وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ |
| | ۵ تا ۱۰ | ۳۷/۲ | ۲۷/۸ | ۲/۲ | ۲۳/۵ | ۶/۵ | |
| | ۱۰ تا ۱۹ | ۳۱/۴ | ۲۵/۱ | ۶/۴ | ۳۱/۷ | ۴ | |
| | ۲۰ و بیشتر | ۲۶/۷ | ۲۷/۸ | ۱۳/۹ | ۲۷/۲ | ۲/۷ | |
| داشتن فرزند | خیر | ۳۶/۴ | ۲۱/۴ | ۰/۶ | ۲۵/۶ | ۱۱/۷ | ۰/۲۱۶=وی کرامرز P = ۰/۰۰۰ |
| | بله | ۲۹/۵ | ۲۷ | ۹/۹ | ۲۸/۷ | ۳/۲ | |

جدول ۴ نشان می‌دهد در مردان و زنان کمتر از ۵۵ سال شیوه هزینه‌کرد اشتراکی، جداگانه در زن و همچنین جداگانه در زوج بیشتر است. با افزایش سن زن و مرد، شیوه هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد به طور چشم‌گیری افزایش داشته است. بنابراین فرضیه‌های رابطه میان سن زن و مرد با شیوه هزینه‌کرد پول در خانواده در سطح معنادار پذیرفته می‌شود. مدت زمان زناشویی نیز چنین الگویی را نشان می‌دهد. با افزایش مدت زمان زناشویی شیوه اشتراکی کاهش یافته و شیوه تخصیصی زن به مرد بیشتر شده و هزینه‌کرد جداگانه در زوج کاهش داشته است. بنابراین فرضیه رابطه میان مدت زمان زناشویی با شیوه هزینه‌کرد پول در سطح معنادار پذیرفته می‌شود. در مردان و زنان با تحصیلات بالاتر از دیپلم شیوه هزینه‌کرد اشتراکی بیشتر و شیوه هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد کمتر شده است. همچنین با افزایش تحصیلات زن و مرد شیوه

هزینه‌کرد جداگانه در مرد کاهش یافته و شیوه هزینه‌کرد جداگانه در زن و در زوج افزایش یافته است. بنابراین فرضیه‌های رابطه میان تحصیلات زن و مرد با شیوه هزینه‌کرد در سطح معنادار پذیرفته می‌شود.

با افزایش درآمد مرد، شیوه تخصیصی مرد به زن افزایش و شیوه تخصیصی زن به مرد کاهش یافته است. با افزایش درآمد زن شیوه تخصیصی مرد به زن کاهش یافته است. با افزایش درآمد زن و مرد شیوه جداگانه در زوج افزایش یافته و بیشترین شیوه هزینه‌کرد اشتراکی در درآمد متوسط زن و مرد بوده است. بنابراین فرضیه‌های رابطه میان درآمد زن و مرد با شیوه هزینه‌کرد پول در خانواده در سطح معنادار پذیرفته می‌شود. در زوجین با تحصیلات برابر بیشترین میزان شیوه هزینه‌کرد اشتراکی مشاهده شده اما با توجه به مقدار p فرضیه رابطه میان شیوه هزینه‌کرد پول و نسبت تحصیلات پذیرفته نمی‌شود. در زوجین با سن برابر نیز بیشترین میزان شیوه هزینه‌کرد اشتراکی مشاهده شده اما با توجه به مقدار p فرضیه رابطه میان شیوه هزینه‌کرد پول و تفاوت سنی زوج پذیرفته نمی‌شود.

در تحلیل دو متغیره تفاوت درآمدی زوج، شیوه اشتراکی و همچنین شیوه جداگانه در زوج در درآمد برابر بیشتر مشاهده می‌شود. در صورت بالاتر بودن درآمد مرد شیوه تخصیصی مرد به زن و در صورت بالاتر بودن درآمد زن شیوه تخصیصی زن به مرد افزایش داشته است. بنابراین فرضیه رابطه میان الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول با تفاوت درآمدی زوج در سطح معنادار پذیرفته می‌شود.

در خانواده‌های هر دو درآمد، شیوه اشتراکی، هزینه‌کرد جداگانه زن و هزینه‌کرد جداگانه زوج افزایش یافته و شیوه تخصیص پول کمتر مشاهده می‌شود. در چنین حالتی هزینه‌کرد جداگانه مرد کاهش داشته است. بنابراین فرضیه رابطه میان الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول با هر دو درآمد بودن زوج در سطح معنادار پذیرفته می‌شود. در خانواده‌هایی که فرزند دارند، شیوه اشتراکی، هزینه‌کرد جداگانه زن و هزینه‌کرد جداگانه زوج کاهش یافته و شیوه تخصیص پول بیشتر مشاهده می‌شود. در چنین حالتی هزینه‌کرد جداگانه مرد افزایش داشته است. بنابراین فرضیه رابطه میان الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول با داشتن فرزند در سطح معنادار پذیرفته می‌شود.

جدول ۵ نتایج برازش مدل رگرسیون اسمی چند وجهی با استفاده از متغیرهای پیش‌بین را نشان می‌دهد. مدل رگرسیونی تحقیق، مدل مناسب و قابل قبول بوده و متغیرهای مستقل

توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول را تبیین کنند. آماره‌های مربوط به ضریب تعیین پزودو نشان می‌دهد این مدل توان تبیین ۱۶/۳ تا ۳۸/۷ درصد از الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین را دارد و به میزان نسبتاً مطلوبی این متغیرها توانسته‌اند متغیر وابسته را تبیین کنند.

شیوه هزینه‌کرد تخصیصی مرد به زن در خانواده‌های هر دو درآمد کمتر از خانواده‌های تک درآمد بوده و در خانواده‌هایی که مرد و زن سن برابر دارند، به طور معناداری کمتر از دیگر خانواده‌هاست. همچنین شیوه هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد در تحصیلات پایین و متوسط زنان و در خانواده‌های تک درآمد بیشتر است. در خانواده‌هایی که درآمد مرد بیشتر از زن است کمتر مشاهده می‌شود. همچنین این الگو در خانواده‌هایی که ۵ تا ۱۰ سال از زندگی زناشویی ایشان می‌گذرد و در خانواده‌های با تحصیلات برابر کمتر مشاهده شده است.

جدول ۵. نتایج برازش مدل رگرسیون لجستیک اسمی چند وجهی با استفاده از متغیرهای پیش‌بین

| جدداگانه در زوج | | جدداگانه در زن | | جدداگانه در مرد | | تخصیصی زن به مرد | | تخصیصی مرد به زن | | | |
|-----------------|-------|----------------|--------|-----------------|--------|------------------|-------|------------------|--------|---------------|---|
| Sig | Exp | Sig | Exp | Sig | Exp | Sig | Exp | Sig | Exp | | |
| ۰/406 | 1/971 | ۰/۳۲۵ | ۴/۲۱۱ | ۰/۸۹۱ | ۰/۹۴۹ | ۰/۲۰۴ | ۲/۳۲۰ | ۰/۵۲۰ | ۱/۲۸۰ | ۱۸ - ۳۴ | سن مرد (مرجع: ۵۵ و بالاتر) |
| ۰/869 | ۱/116 | ۰/۱۲۰ | ۷/۸۹۲ | ۰/۷۶۴ | ۱/۰۸۶ | ۰/۳۴۳ | ۱/۴۲۴ | ۰/۵۲۶ | ۰/۸۴۵ | ۳۵ - ۵۴ | |
| ۰/766 | ۰/762 | ۰/۶۵۱ | ۰/۵۱۰ | ۰/۵۷۴ | ۱/۲۳۳ | ۰/۲۵۳ | ۰/۵۱۴ | ۰/۶۱۲ | ۱/۳۱۱ | ۱۸ - ۳۴ | سن زن (مرجع: ۵۵ و بالاتر) |
| ۰/658 | ۰/705 | ۰/۲۶۰ | ۰/۲۱۵ | ۰/۶۹۳ | ۱/۱۱۹ | ۰/۰۸۸ | ۰/۵۳۵ | ۰/۱۹۰ | ۱/۴۴۴ | ۳۵ - ۵۴ | |
| ۰/557 | ۰/645 | ۰/۱۰۳ | ۰/۱۴۹ | ۰/۶۶۵ | ۱/۱۷۵ | ۰/۸۹۲ | ۱/۰۶۴ | ۰/۴۴۰ | ۰/۹۱۴ | پایین | تحصیلات مرد |
| ۰/964 | 0/980 | ۰/۰۷۵ | ۰/۲۴۷ | ۰/۳۱۶ | ۱/۲۹۰ | ۰/۸۵۷ | ۰/۹۳۲ | ۰/۷۴۹ | ۱/۲۳۳ | متوسط | (مرجع: بالاتر از دیپلم) |
| ۰/574 | ۱/616 | ۰/۰۵۳ | ۱۰/۳۸۵ | ۰/۱۴۳ | ۱/۷۴۹ | ۰/۰۱۲ | ۴/۱۰۶ | ۰/۴۱۰ | ۱/۳۷۰ | پایین | تحصیلات زن |
| ۰/854 | 1/089 | ۰/۰۸۹ | ۳/۶۱۸ | ۰/۰۵۷ | ۱/۶۰۷ | ۰/۰۲۱ | ۲/۷۳۲ | ۰/۴۲۹ | ۱/۲۲۰ | متوسط | (مرجع: بالاتر از دیپلم) |
| ۰/498 | ۱/806 | ۰/۸۰۶ | ۱۳۲۶ | ۰/۰۳۷ | ۰/۲۷۷ | ۰/۰۰۹ | ۰/۱۵۵ | ۰/۴۱۹ | ۰/۵۶۵ | مرد بیشتر | نسبت درآمد (مرجع: درآمد بیشتر زن) |
| ۰/856 | ۰/853 | ۰/۷۶۷ | ۰/۷۰۸ | ۰/۰۳۲ | ۰/۲۳۶ | ۰/۰۹۸ | ۰/۲۶۷ | ۰/۲۷۱ | ۰/۴۲۶ | درآمد برابر | |
| ۰/۷۳۱ | ۰/۸۳۳ | ۰/۳۷۰ | ۰/۴۵۸ | ۰/۹۲۴ | ۱/۰۳۱ | ۰/۵۱۴ | ۰/۷۶۴ | ۰/۸۸۰ | ۱/۰۵۱ | مرد بیشتر | نسبت تحصیلات (مرجع: تحصیلات بیشتر زن) |
| ۰/۱۷۳ | ۰/۵۷۸ | ۰/۸۷۲ | ۱/۰۹۷ | ۰/۲۶۴ | ۰/۷۷۷ | ۰/۰۰۲ | ۰/۳۹۲ | ۰/۱۷۹ | ۰/۷۳۵ | برابر | تحصیلات |
| ۰/۳۰۴ | ۰/۳۷۵ | ۰/۷۱۵ | ۰/۶۲۳ | ۰/۵۹۵ | ۰/۷۵۲ | ۰/۳۵۵ | ۲/۸۰۷ | ۰/۵۰۵ | ۰/۷۰۳ | مرد بیشتر | نسبت سن (مرجع: سن بیشتر زن) |
| ۰/۵۳۶ | ۰/۵۱۸ | ۰/۸۱۳ | ۱/۳۹۰ | ۰/۳۹۷ | ۰/۵۹۸ | ۰/۲۲۹ | ۴/۱۰۴ | ۰/۰۱۶ | ۰/۲۰۳ | سن برابر | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/6۰۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۹۸ | ۰/۰۰۰ | ۱۲/۹۵۳ | ۰/۰۰۰ | ۸/۸۱۴ | ۰/۰۰۰ | ۱۳/۰۸۵ | هر دو | خانواده تک درآمد (مرجع: هر دو درآمد) |
| ۰/245 | ۰/44۴ | ۰/۴۶۰ | ۰/۵۰۷ | ۰/۳۳۵ | ۱/۵۰۳ | ۰/۱۶۸ | ۰/۲۹۷ | ۰/۴۳۸ | ۰/۷۰۸ | کمتر از ۵ | مدت زمان زناشویی (مرجع: ۲۰ سال و بیشتر) |
| ۰/209 | ۰/08۵ | ۰/۱۶۵ | ۰/۳۷۸ | ۰/۹۷۷ | ۱/۰۰۹ | ۰/۰۴۳ | ۰/۲۸۵ | ۰/۹۴۷ | ۰/۹۷۹ | ۱۰ تا ۱۹ | |
| ۰/535 | ۰/760 | ۰/۰۹۰ | ۰/۳۵۶ | ۰/۲۹۰ | ۱/۲۷۵ | ۰/۳۳۳ | ۰/۷۱۰ | ۰/۸۶۲ | ۰/۹۶۰ | ۱۰ تا ۱۹ | |
| ۰/029 | ۲/547 | ۰/۵۳۶ | ۱/۴۲۸ | ۰/۷۱۸ | ۱/۱ | ۰/۱۱۲ | ۰/۲۶۸ | ۰/۵۹۲ | ۱/۱۵۷ | نداشتن فرزند | نداشتن فرزند (مرجع: داشتن فرزند) |
| ۱۸۳۵/۵۳۷ | | | | | | | | | | Likelihood | |
| ۹۵ | | | | | | | | | | درجه آزادی | |
| ۰/۰۰۰ | | | | | | | | | | مقدار P | |
| ۰/۳۸۷ | | | | | | | | | | Cox and Snell | Pseudo R Square |
| ۰/۴۰۷ | | | | | | | | | | Nagelkerke | |
| ۰/۱۶۳ | | | | | | | | | | McFadden | |

(گروه مرجع: هزینه‌کرد اشتراکی)

الگوی هزینه‌کرد جداگانه در مرد در خانواده‌های تک درآمد به مراتب بیش از خانواده‌های هر دو درآمد است. در درآمد برابر مرد و زن، در درآمد بالاتر مرد از زن کمتر به چشم می‌خورد. هزینه‌کرد جداگانه در زن و هزینه‌کرد جداگانه در زوج در خانواده‌های تک درآمد به شکل معناداری کمتر از خانواده‌های هر دو درآمد است. همچنین هزینه‌کرد جداگانه در زوج در خانواده‌هایی که فرزند ندارند بیش از خانواده‌هایی است که دارای فرزند هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تغییرات سال‌های اخیر از جمله افزایش آگاهی و امکان ارتباطات فرا مرزی، افزایش تمایل زنان متاهل به بازارکار و مشارکت اقتصادی، مطالبات و انتظارات زنان از منابع اقتصادی خانواده تغییر کرده و بررسی روابط اقتصادی میان زوجین از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. بر این اساس، این مقاله با هدف بررسی روابط اقتصادی در میان زوجین به الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در خانواده و متغیرهای اقتصادی اجتماعی مرتبط با آن در شهر تهران انجام شده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که ۴۴/۶٪ از مردان و ۵۵/۹٪ از زنان از شیوه هزینه‌کرد پول در رابطه میان خود و همسرشان رضایت ندارند. ۱۰/۹٪ درصد از مردان و ۱۲/۸٪ درصد زنان گزارش کردند که مدیریت مالی و هزینه‌کرد پول در خانواده آنها موجب اختلاف زناشویی در سطح بالا می‌شود. همسران ۳۶/۹٪ از مردان و ۲۰/۶٪ از زنان از میزان درآمد ایشان و همسران ۴۱/۱٪ از مردان و ۳۸/۹٪ درصد از زنان از میزان خرج‌های همسر خود اطلاع دقیق ندارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد روابط اقتصادی و بررسی آن در میان زوجین از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که حدود نیمی از خانواده‌ها از مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول در روابط میان خود و همسرشان رضایت ندارند و اهمیت این موضوع به قدری است که در بیش از ده درصد خانواده‌ها منجر به اختلاف زناشویی در سطح متوسط و بالاتر می‌گردد. همچنین نوعی پنهان‌کاری و عدم شفافیت در موضوعات اقتصادی در بخش قابل توجهی از خانواده‌ها وجود دارد. نارضایتی در زنان بیش از مردان و پنهان‌کاری و عدم شفافیت در مردان بیش از زنان است که به دسترسی بیشتر مردان به منابع اقتصادی و تسلط ایشان برمی‌گردد.

همچنین نتایج بیانگر رابطه معنادار میان الگوهای مدیریت و شیوه هزینه‌کرد پول با نشاط

زناشویی است. به طوری که در افرادی که نشاط زناشویی بالایی دارند، هزینه‌کرد اشتراکی، شیوه غالب مدیریت و هزینه‌کرد پول است و در افرادی که نشاط زناشویی در سطح پایین دارند، بیشترین شیوه هزینه‌کرد مالی تخصیصی مرد به زن و جداگانه در مردان است. همچنین شیوه هزینه‌کرد جداگانه در زوج در سطح نشاط زناشویی پایین بیشتر از سطوح متوسط و بالاست. این یافته هم‌راستا با تحقیقات بلومشتین و شوارتز (۱۹۸۳)، پاول (۱۹۸۹)، آنیول و اسنایدر (۱۹۹۷)، کرچلر و همکاران (۲۰۰۱)، ساتن و همکاران (۲۰۰۳)، و گلر و همکاران (۲۰۰۸)، علیرضائزاد و خاکپور (۱۳۹۴) است.

دو الگوی هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد و هزینه‌کرد جداگانه در زنان نمای متفاوتی دارند. به طوری که هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد، در سطح بالای نشاط زناشویی هم در زنان و هم در مردان کمتر دیده می‌شود. به عبارت دیگر افرادی که از زندگی زناشویی خود رضایت بیشتری دارند کمتر به این الگوی اقتصادی رجوع می‌کنند و این نما در زنان و مردان یکسان است. همچنین اگرچه هزینه‌کرد جداگانه در زنان اندک است اما این شیوه در سطح بالای نشاط زناشویی در مردان و زنان بیشتر مشاهده می‌شود. خرسندی از رابطه زناشویی و همزمانی آن با رفتار فردگرایانه در زنان می‌تواند نشان از وجود توافق میان همسران در این زمینه، عدم نیاز خانواده به پول زنانه و یا نگاه ثانوی به آن باشد و این یافته در مطالعات دیگر مشاهده نشده است. این یافته هم‌راستا با بخشی از تحقیق بریت و همکاران (۲۰۰۸) است که نشان دادند درک پاسخگویان از رفتارهای هزینه‌کرد شریک‌شان، عمیق‌ترین تأثیر را بر رضایت از رابطه دارد.

بر اساس یافته‌ها، مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی پول در ۳۰/۸ درصد، هزینه‌کرد تخصیصی مرد به زن در ۲۶ درصد، هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد در ۸/۳ درصد، هزینه‌کرد جداگانه در مرد در ۲۸/۱ درصد، هزینه‌کرد جداگانه در زن در ۲/۱ درصد و هزینه‌کرد جداگانه در زوج در ۴/۷ درصد از خانواده‌ها مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی در ۳۰/۸ درصد، هزینه‌کرد تخصیصی در ۳۴/۳ درصد و هزینه‌کرد جداگانه در ۳۴/۹ خانواده‌ها وجود دارد. این یافته نشان می‌دهد هزینه‌کرد اشتراکی که با بالاترین سطح نشاط زناشویی همراه است، تنها در کمتر از یک سوم خانواده‌های تهرانی وجود دارد. شیوه هزینه‌کرد تخصیصی مرد به زن و شیوه هزینه‌کرد جداگانه در مردان در سطح نسبتاً وسیعی در همه

گروه‌ها به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد این دو شیوه سنتی مدیریت پول، مورد پذیرش بخش قابل توجهی از خانواده‌هاست. مدیریت و هزینه‌کرد اشتراکی و همچنین جداگانه در جامعه ما کمتر و هزینه‌کرد تخصیصی بیشتر از زوج‌های کانادایی در مطالعه لاپورت و شلنبرگ (۲۰۱۱) است. همچنین تا حدودی متفاوت از مطالعه سینگ و بنداری (۲۰۱۲) که نشان داده الگوی غالب کنترل و مدیریت پول مردانه است. حفظ سنت و نفوذ مدرنیته موجب شده جامعه ما در میانه این طیف قرار گیرد.

نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد، در مردان و زنان کمتر از ۵۵ سال شیوه هزینه‌کرد اشتراکی، جداگانه در زن و همچنین جداگانه در زوج بیشتر است. با افزایش سن زن و مرد، شیوه هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. این یافته قدرت انتخاب و بهره‌وری از این قدرت را در افراد جوان‌تر نشان می‌دهد. اگر به شکل سنتی منابع اقتصادی در دست مردان بوده اما امروزه افراد و خانواده‌ها در جامعه ما تقریباً به میزان برابر اشتراک یا تمایز در هزینه‌کرد پول را انتخاب کرده‌اند. وگلر و همکاران (۲۰۰۸)، یودانیس و لور (۲۰۰۷a,b) نیز نشان دادند مدیریت فردگرایانه پول در جوان‌ترها بیشتر دیده می‌شود. مخالف با این یافته بورگان و ماریسن (۱۹۹۷) نشان دادند که در زوجین مسن‌تر مدیریت جداگانه بیشتر است. همچنین مطابق با یافته این تحقیق که هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد در سنین بالاتر زنان و مردان بیشتر مشاهده شده است، علیرضانژاد و خاکپور مروستی (۱۳۹۶) نشان دادند که افزایش سن مرد بر عاملیت اقتصادی زنان تاثیر مثبت دارد. مدت زمان زناشویی نیز چنین الگویی را نشان می‌دهد. با افزایش مدت زمان زناشویی شیوه اشتراکی کاهش یافته و شیوه تخصیصی زن به مرد بیشتر مشاهده شده و هزینه‌کرد جداگانه در زوج کاهش داشته است. به نظر می‌رسد رابطه مدیریت و هزینه‌کرد پول بیش از اینکه با طول دوران زناشویی ارتباط داشته باشد با سن ارتباط دارد. سن در جامعه ما با مدت زمان زناشویی رابطه تنگاتنگی دارد ($r=0.928$). این یافته در مطالعات تریز (۱۹۹۳)، یودانیس و لور (۲۰۰۷a,b) و لاپورت و شلنبرگ (۲۰۱۱) نیز مشاهده شده است.

در مردان و زنان با تحصیلات بالاتر از دیپلم شیوه هزینه‌کرد اشتراکی بیشتر و شیوه هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد کمتر شده است. همچنین با افزایش سطح تحصیلات زن و مرد شیوه هزینه‌کرد جداگانه در مرد کاهش یافته و شیوه هزینه‌کرد جداگانه در زن و در زوج

۳۱ بررسی الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول در روابط میان زوجین.

افزایش یافته است. تریز (۱۹۹۳) نیز رابطه تحصیلات بالاتر در زنان را با مدیریت جداگانه ایشان نشان داده است. بر خلاف یافته این تحقیق، بنکه و پولسن (۲۰۰۷) رابطه معناداری میان نسبت تحصیلات و مدیریت پول نیافتند.

با افزایش درآمد مرد، شیوه تخصیصی مرد به زن افزایش و شیوه تخصیصی زن به مرد کاهش یافته است. با افزایش درآمد زن شیوه تخصیصی مرد به زن کاهش یافته است. همچنین با افزایش درآمد زن و مرد شیوه جداگانه در زوج افزایش یافته و بیشترین شیوه هزینه‌کرد اشتراکی در درآمد متوسط زن و مرد بوده است. لاپورت و شلنبرگ (۲۰۱۱) نیز رابطه میان استراتژی فردگرایانه با میزان درآمد زنان نشان داده و تریز (۱۹۹۳) نیز نشان داده درآمد بالاتر با مدیریت جداگانه ارتباط دارد.

این تحقیق نشان داد رابطه معناداری میان شیوه هزینه‌کرد پول و تفاوت‌های تحصیلی زوج مشاهده نشد اما شیوه اشتراکی و همچنین شیوه جداگانه در زوج در درآمد برابر بیشتر مشاهده می‌شود. در صورت بالاتر بودن درآمد مرد شیوه تخصیصی مرد به زن و در صورت بالاتر بودن درآمد زن شیوه تخصیصی زن به مرد افزایش داشته است. وگلر و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان دادند، مدیریت فردگرایانه پول در دو نان‌آورها و به ویژه کسانی که یک فرد درآمدی بیشتر از همسر خود دارد، دیده می‌شود. همچنین یودانیس و لور (۲۰۰۷a,b) و بنکه و پولسن (۲۰۰۷) وقتی درآمد یکسان باشد، احتمال مدیریت مالی اشتراکی بیشتر است.

در خانواده‌هایی که زن و مرد هر دو منبع مالی دارند، شیوه اشتراکی، هزینه‌کرد جداگانه زن و هزینه‌کرد جداگانه زوج افزایش یافته و شیوه تخصیص پول کمتر مشاهده می‌شود. در چنین حالتی هزینه‌کرد جداگانه مرد کاهش داشته است. بنابراین می‌توان گفت که پول زنانه، شیوه و چگونگی انجام کنش‌های اقتصادی را در خانواده تغییر داده است. پول زنانه همچون شمشیر دو لبه‌ای عمل کرده و از یک طرف اشتراک میان زوجین و از طرف دیگر تمایز میان ایشان را افزایش داده است. وگلر و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان داده که مدیریت فردگرایانه پول در دو نان‌آورها بیشتر دیده می‌شود.

این تحقیق نشان داد، در خانواده‌هایی که فرزند دارند، شیوه اشتراکی، هزینه‌کرد جداگانه زن و هزینه‌کرد جداگانه زوج کاهش یافته و شیوه تخصیص پول بیشتر مشاهده می‌شود. در چنین حالتی هزینه‌کرد جداگانه مرد افزایش داشته است. همراستا با یافته‌های این تحقیق

معنادار بودن حضور فرزندان در مطالعات لاپورت و شلنبرگ (۲۰۱۱) و علیرضانژاد و خاکپور مروستی (۱۳۹۶) نیز مشاهده شده است. همچنین متفاوت با این مطالعه تریز (۱۹۹۳) نشان داده حضور فرزندان با اشتراک درآمد مالی همراه است.

بعلاوه، نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد، شیوه هزینه‌کرد تخصیصی مرد به زن در خانواده‌های هر دو درآمد کمتر از خانواده‌های تک درآمد بوده و در خانواده‌هایی که زن و مرد همسن باشند، نیز کمتر است. شیوه هزینه‌کرد تخصیصی زن به مرد در تحصیلات پایین و متوسط زنان و در خانواده‌های تک درآمد بیشتر است. این الگو در خانواده‌هایی که ۵ تا ۱۰ سال از زندگی زناشویی‌شان می‌گذرد و در خانواده‌هایی که درآمد مرد بیشتر از زن است کمتر مشاهده می‌شود. همچنین در تحصیلات برابر زن و مرد این الگو کمتر مشاهده شده است. الگوی هزینه‌کرد جداگانه در مرد در خانواده‌های تک درآمد به مراتب بیش از خانواده‌های هر دو درآمد است. در درآمد برابر مرد و زن، در درآمد بالاتر مرد از زن کمتر به چشم می‌خورد. هزینه‌کرد جداگانه در زن و هزینه‌کرد جداگانه در زوج در خانواده‌های تک درآمد به شکل معناداری کمتر از خانواده‌های هر دو درآمد است. همچنین هزینه‌کرد جداگانه در زوج در خانواده‌هایی که فرزند ندارند بیش از خانواده‌هایی است که دارای فرزند هستند. پرواضح است که نتایج تحلیل چند متغیره عمدتاً تاثیر درآمد بر الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول را تایید کرده و مطابق با یافته لاپورت و شلنبرگ (۲۰۱۱) متغیرهای دیگر از جمله حضور فرزندان در مدل‌های چند متغیره چندان قابل توجیه نیست.

یافته‌های تحلیل‌های دو متغیره و چند متغیره مقاله از نظریه منابع قدرت حمایت می‌کند. از آنجا که الگوی هزینه‌کرد و مدیریت اشتراکی پول، بالاترین همبستگی را با نشاط زناشویی داشت، بنابراین پیشنهادات مقاله در راستای افزایش الگوی اشتراکی و کاهش الگوی جداگانه خواهد بود. چنانکه اشاره شد درآمد نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در الگوهای مدیریت و هزینه‌کرد پول دارد. به طوری که در خانواده‌هایی که هر دو درآمد دارند و یا درآمد برابر دارند، شیوه اشتراکی بیشتر است. بنابراین لزوم تناسب در درآمد زوجین در بدو ازدواج و پس از آن توصیه می‌شود. پول زنانه همچون شمشیر دو لبه‌ای عمل کرده و از یک طرف اشتراک میان زوجین و از طرف دیگر تمایز میان ایشان را افزایش داده است. همچنین پول زنانه می‌تواند از رفتارهای فردگرایانه اقتصادی در درآمدهای بالای مردان پیشگیری نماید. شیوه اشتراکی در

تحصیلات بالاتر زنان و مردان بیشتر به چشم می‌خورد و در خانواده‌هایی که زنان تحصیلات پایین دارند شیوه جداگانه بیشتر به کار گرفته شده است. بنابراین افزایش توانمندی زنان و مردان با تحصیلات بالاتر پیشنهاد می‌شود. همسان همسری اقتصادی که حتی الامکان مدیریت و هزینه‌کرد جداگانه را کاهش می‌دهد لازم است همواره لحاظ شود.

چنانکه گفتیم در جامعه ما بررسی روابط اقتصادی میان زوجین از زاویه دیگری نیز اهمیت دارد. در حالی که ما با افزایش روزافزون اشتغال زنان رو به‌رو شده‌ایم اما در مدیریت و هزینه‌کرد پول حاصل از اشتغال زنان، آنومی (بی‌هنجاری) وجود دارد و به نظر می‌رسد در این حوزه نقصان قوانین می‌تواند به چالش‌های خانواده دامن بزند. ایدئولوژی خانواده‌محور با قوانین فردمحور جامعه ما تناقضاتی دارد که در حیطه اقتصاد خانواده نمای بیشتری خواهد داشت و تدوین سیاست‌های خانواده‌محور چالش‌ها را کاهش خواهد داد. آموزش خانواده‌ها در راستای ایجاد توافق در موضوعات اقتصادی که می‌تواند در قالب آموزش قبل از ازدواج و یا توسط رسانه‌ها انجام شود. بعلاوه، مطالعه و پژوهش علل نارضایتی زنان و مردان از شیوه مدیریت و هزینه‌کرد پول و بررسی علل پنهان‌کاری و عدم شفافیت در مسائل اقتصادی در خانواده‌ها پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- آزادارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمد حسین، (۱۳۹۰). تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۸): ۴۳۵-۴۶۲.
- سفیری، خدیجه، آراسته، راضیه، (۱۳۸۶). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده، *فصلنامه تحقیقات زنان*، سال ۲(۱): ۱۴۷-۱۱۴.
- علیرضانژاد، سهیلا، خاکپور، سحر، فتحی، سروش، (۱۳۹۳). سرمایه اقتصادی و جنسیت در خانواده: مطالعه ای بر کنترل منابع مالی در خانواده های شهر تهران، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۱: ۱۹۰-۱۵۷.
- علیرضانژاد، سهیلا، خاکپور، سحر، (۱۳۹۴). تحلیل جنسیتی هزینه‌کرد و پس انداز پول در خانواده‌های تهرانی، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳(۲): ۱۷۰-۱۵۱.
- علیرضانژاد، سهیلا، خاکپور مروستی، الهه، (۱۳۹۶). پول زنانه و اقتصاد خانواده: مطالعه‌ای در خانواده‌های تهرانی، *علوم انسانی*، شماره ۵۲، (۱): ۱۱۹-۸۸.
- نظری‌پور، محمد، (۱۳۹۲). مدیریت مالی خانواده و کیفیت رابطه زوجین، *فصلنامه مشاوره روان‌درمانی خانواده*، سال ۳(۳): ۵۱۳-۴۹۱.

- Belch, M.A. & Willis, L.A., (2002). Family decision at the turn of the century: Has the changing structure of households impacted the family decision-making process? *Journal of Consumer Behavior*, 2 (2): 111-124 .
- Blumstein, P., Schwartz, P., (1983). *American Couples: Money Work and Sex*, New York: William Morrow.
- Bonke, J., Uldall-Poulsen, H., (2007). Why do families actually pool their income? Evidence from Denmark, *Review of Economics of the Household*, Vol. 5(2): 113-128.
- Britt, S., John E. G., Briana S., Nelson G., White, M., (2008). The Influence of Perceived Spending Behaviors on Relationship Satisfaction, *Financial Counseling and Planning*, Volume 19 (1): 31-43.
- Burgoyne, C.B., (1990). Money in marriage: How patterns of allocation both reflect and conceal power. *The Sociological Review* 38: 634-665.
- Burgoyne, C. B. and Lewis, A., (1994). Distributive justice in marriage: equality or equity? *Journal of Community and Applied Social Psychology* 4:101-114.

- Burgoyne, C.B., Clarke, V., Reibstein, J. and Edmunds, A., (2006). All my worldly goods I share with you? Managing money at the transition to heterosexual marriage, *The Sociological Review*, 54: 619–637.
- Burgoyne, C.B., Morison, V., (1997). Money in remarriage: Keeping things simple and separate, *The Sociological Review*. Vol. 45(3): 363–395.
- Edwards, M. (1981). *Financial Arrangements Within Families*, Canberra: National Women's Advisory Council.
- Fleming, R., (1997). *The Common Purse*, Auckland N.Z.: Auckland University Press.
- Hiekel, N., Liefbroer, A. C., Poortman, A. R., (2014). Income pooling strategies among cohabiting and married couples: A comparative perspective, *Demographic Research*, Vol. 30,: 1527–1560.
- Kiernan, K., (2004). Unmarried cohabitation and parenthood in Britain and Europe, *Law and Policy*, 26 (1): 33–55.
- Kirchler, E., Rodler, C., Holzl, E. and Meier, K., (2001). *Conflict and Decision Making in Close Relationships*, Hove: The Psychology Press.
- Laporte, C., Schellenberg, G., (2011). *The Income Management Strategies of Older Couples in Canada*, Research Paper, Analytical Studies Branch Research Paper Series, ISSN 1205-9153.
- Layard, R., (2006). *Happiness*, London: Penguin.
- Locksley, A., (1980). on the effects of wives employment on marital adjustment and companionship, *Marriage and Family*, Vol42(2): 337-346.
- Nyman, C., (1999). Gender equality in _the most equal country in the world'? Money and marriage in Sweden. *The Sociological Review*. Vol. 47(4) : 766–793.
- Nyman, C., (2003). The social nature of money: meanings in Swedish Families, *Women's Studies International Forum*, 26 (1): 79–94.
- Pahl, J., (1989). *Money and Marriage*, Basingstoke: Macmillan.
- Pahl, J., (2005). Individualisation in couple finances: who pays for the children? *Social Policy and Society*, 4 (3): 381–391.
- Pahl, J., (2000). Couples and their money: patterns of accounting and accountability in the domestic economy, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 13. (4) :502-517.
- Singh, S., Bhandari, M., (2012). Money management and control in the Indian joint family across generations, *The Sociological Review*, Vol. 60(1) : 46 – 67.
- Steuber, K. R., Paik, A., (2013). Of Money and Love, Joint Banking, Relationship Quality and Cohabitation, *Journal of Family Issues*, 24: 583-60.

- Sutton, L., Cebulla, A. and Middleton, S., (2003). *Marriage in the Twenty-First Century*, CRSP 482: Cardiff, Care for the Family.
- Treas, J., (1993). Money in the bank: Transaction costs and the economic organization of marriage, *American Sociological Review*. Vol. 58(5): 723-734.
- Vogler, C., Brockmann, M. and Wiggins, R.D., (2006). Intimate relationships and changing patterns of money management at the beginning of the twenty-first century, *British Journal of Sociology*, 57 (3): 455-482.
- Vogler, C., Brockmann, M. and Wiggins, R.D., (2007). Managing money in new heterosexual forms of intimate relationships, *Journal of Socio-Economics*, Special Edition on Households.
- Vogler, C., (2005). Cohabiting couples: rethinking money in the household at the beginning of the twenty first century, *The sociological review*, Volume 53(1): 1-29.
- Vogler, C., Lyontte, C., Wiggings, R. D., (2008). Money, power and spending decisions in intimate relationships, *The Sociological Review*, vol 56, no. 1: 117-143.
- Vogler, C., Pahl, J., (1994). Money, power and inequality within marriage, *The Sociological Review*, Volume 42(2): 263-288.
- Vogler, C., (2006). Intimate relationships and changing patterns of money management at the beginning of the twenty-first century, *The British Journal of Sociology*, Volume 57(3): 455-482.
- White, L. K., (1983). Determinants of Spousal Interaction: Marital Structure or Marital Happiness, *Marriage and Family*, Vol 45: 511-519.
- Yodanis, C., and Lauer, S., (2007a). Economic inequality in and outside of marriage: Individual resources and institutional context, *European Sociological Review*, Vol. 23(5): 573-583.
- Yodanis, C., Lauer, S. (2007b). Managing money in marriage: Multilevel and cross-national effects of the breadwinner role, *Journal of Marriage and Family*. Vol. 69(5): 1307-1325.